

علی بن الحسین علیه السلام
امام سجاد

دکتر مرضیه محمدزاده



انتشارات دلیل ما

علی بن الحسین علیه السلام امام سجاد

مؤلف: مرضیه محمدزاده

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

لینوگرافی: پرتو شمس

چاپخانه: نگارش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۸۲۵-۷

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

قم، صندوق پستی: ۳۷۱۲۵ - ۱۱۵۳

www.Dalilema.com

Dalilema@yahoo.com

مراکز پخش:

- (۱) قم، خیابان صفائی، رویروی کوچه ۸، پلاک ۷۵۹، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- (۲) تهران، خ انقلاب، خ فخرآزی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- (۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳ - ۵

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

محمدزاده، مرضیه، ۱۳۳۷ -

: علی بن الحسین علیه السلام امام سجاد / مرضیه محمدزاده.

قم: دلیل ما، ۱۳۹۲.

۷۷۶ص.

978-964-397-845-7:

فیفا:

: کتابنامه: ص. [۷۳۷] - ۷۶۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

: نمایه.

: علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق.

: ۱۳۹۲ ع ۳۶ م ۴۳/ BP

: ۲۹۷/ ۹۵۴:

: ۳۰۴۹۲۷۳:

فهرست مطالب

۱۵.....	مقدمه
۲۳.....	پیش گفتار

فصل اول

زندگانی تاریخی امام سجاد (ع) / ۲۳

۳۵.....	بخش اول: طلوع خورشید
۳۵.....	ولادت
۴۰.....	کنیه و القاب
۴۱.....	شمايل، خصوصيات ظاهري و آداب اجتماعي
۴۵.....	مادر امام (ع)
۵۴.....	همسران امام (ع)
۵۴.....	فرزندان امام (ع)
۶۳.....	بخش دوم: سیره عملی امام (ع)
۶۴.....	عفو و گذشت
۷۰.....	انفاق و بخشش
۷۵.....	ایثار و دیگر گزینی

۷۶	عبادت پروردگار
۸۵	دعا و نیایش
۸۹	علم و دانش
۹۴	اعراض از سخنان بیهوده و لغو
۹۵	زهد
۹۸	عزت و کرامت نفس
۱۰۶	صبر و بردباری
۱۰۹	شرف و بزرگی
۱۱۳	مردم دوستی
۱۱۶	تقیه
۱۲۱	بخش سوم: نصوص و دلایل امامت
۱۲۱	امامت
۱۳۳	نصوص و دلایل امامت امام علیه السلام
۱۴۱	سخنان امام علیه السلام در باب امامت
۱۴۷	کرامات امام علیه السلام
۱۵۳	بخش چهارم: اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر امام علیه السلام
۱۵۴	اوضاع اجتماعی عصر امام علیه السلام
۱۶۱	اوضاع سیاسی عصر امام علیه السلام
۱۸۱	بخش پنجم: مبارزات امام علیه السلام
۱۸۱	واقعۀ کربلا
۱۹۶	دوران اسارت
۲۲۹	بخش ششم: جنبش های مسلحانه عصر امام علیه السلام
۲۲۹	واقعۀ حرّه واقم
۲۳۹	فتنه عبدالله بن زبیر
۲۴۴	قیام توابین
۲۵۱	قیام مختار ثقفی

۲۶۳	بخش هفتم: حاکمان هم عصر امام علیه السلام
۲۶۳	یزید بن معاویه
۲۷۲	معاویه بن یزید (معاویه دوم)
۲۷۵	مروان بن حکم
۲۷۷	عبدالملک بن مروان و والی او حجاج بن یوسف ثقفی
۲۸۵	ولید بن عبدالملک
۲۸۷	بخش هشتم: شهادت امام علیه السلام
۲۹۳	بخش نهم: سخنان بزرگان در مورد امام علیه السلام
۳۰۳	بخش دهم: قرآن به خط امام علیه السلام

فصل دوم

زندگانی مرفعی امام سجاد علیه السلام / ۳۰۵

۳۰۷	بخش اول: اوضاع فرهنگی عصر امام علیه السلام
۳۰۹	فعالیت های فرهنگی امام علیه السلام
۳۱۶	امام علیه السلام و تربیت شاگردان برجسته
۳۲۶	مختصری از شرح احوال اصحاب برجسته امام سجاد علیه السلام
۳۵۱	بخش دوم: گرایش های الحادی عصر امام علیه السلام
۳۵۱	تشبیه و تجسیم
۳۵۵	جبر
۳۶۰	ارجاء
۳۶۷	بخش سوم: صحیفه سجادیه
۳۷۴	قرآن
۳۷۵	۱- حقیقت قرآن
۳۷۵	۲- کتاب هدایت و روشنایی و بخشایش و بینادلی
۳۷۶	۳- کتاب عمل

۳۷۶	۴- کتاب بیان و تفصیل
۳۷۶	۵- کتاب بی شبهه و اختلاف
۳۷۷	۶- کتاب شفای تن و جلای جان
۳۷۸	۷- کتاب باطن و ملکوت
۳۷۸	۸- کتاب هنر و نوآوری
۳۷۸	۹- قرآن، سایه گسترده
۳۷۹	۱۰- قرآن و زندگی مادی
۳۷۹	۱۱- قرآن و زندگی روحی
۳۸۰	۱۲- قرآن و ساعات مرگ
۳۸۱	۱۳- قرآن و روز قیامت
۳۸۲	۱۴- قرآن و منزلگاه های کرامت
۳۸۲	۱۵- قرآن و آیات محکم و متشابه
۳۸۳	۱۶- قرآن و اهل بیت
۳۸۴	۱۷- فراخوانی به سوی قرآن
۳۸۴	۱۸- ختم قرآن
۳۸۵	۱۹- چگونگی خواندن قرآن
۳۸۵	صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
۳۹۱	توحید
۴۰۰	انسان و جهان
۴۰۵	ماه رمضان
۴۱۲	دین الهی
۴۱۴	علما و دانشمندان
۴۲۴	خانواده
۴۲۸	توبه
۴۴۳	اموال

۴۴۸	عمل (کار).....
۴۵۴	فقر.....
۴۵۷	تعاون اجتماعی.....
۴۶۰	تکالیف.....
۴۶۳	بخش چهارم: رساله حقوق.....
۴۶۳	مقدمه.....
۴۶۹	رساله حقوقیه.....
۴۷۲	۱- حق خدا.....
۴۷۳	۲- حق نفس.....
۴۷۴	۳- حق زیان.....
۴۷۴	۴- حق گوش.....
۴۷۴	۵- حق چشم.....
۴۷۴	۶- حق دست.....
۴۷۵	۷- حق پا.....
۴۷۵	۸- حق شکم.....
۴۷۵	۹- حق عورت.....
۴۷۵	۱۰- حق نماز.....
۴۷۶	۱۱- حق حج.....
۴۷۶	۱۲- حق روزه.....
۴۷۶	۱۳- حق صدقه.....
۴۷۷	۱۴- حق قربانی.....
۴۷۷	۱۵- حق حاکم (سلطان).....
۴۷۷	۱۶- حق معلم.....
۴۷۸	۱۷- حق مالک.....
۴۷۹	۱۸- حق رعیت.....

- ۱۹- حق متعلمان (دانش آموختگان)..... ۴۷۹
- ۲۰- حق مملوک ۴۷۹
- ۲۱- حق زن ۴۸۰
- ۲۲- حق مادر ۴۸۱
- ۲۳- حق پدر ۴۸۱
- ۲۴- حق فرزند ۴۸۲
- ۲۵- حق برادر ۴۸۲
- ۲۶- حق مولی ۴۸۳
- ۲۷- حق بنده ۴۸۳
- ۲۸- حق نیکوکار تر ۴۸۳
- ۲۹- حق اذان گو ۴۸۴
- ۳۰- حق پیش نماز (امام جماعت) ۴۸۴
- ۳۱- حق همنشین ۴۸۵
- ۳۲- حق همسایه ۴۸۵
- ۳۳- حق رفیق ۴۸۶
- ۳۴- حق شریک ۴۸۶
- ۳۵- حق مال ۴۸۶
- ۳۶- حق وام خواه ۴۸۷
- ۳۷- حق معاشر ۴۸۷
- ۳۸- حق خصم بر تو ۴۸۷
- ۳۹- حق تو بر خصم ۴۸۸
- ۴۰- حق رأی خواه ۴۸۸
- ۴۱- حق رأی زن ۴۸۸
- ۴۲- حق نصیحت خواه ۴۸۸
- ۴۳- حق نصیحت گو ۴۸۹

۴۴	- حق بزرگ	۴۸۹
۴۵	- حق کوچک	۴۸۹
۴۶	- حق خواهنده	۴۹۰
۴۷	- حق مسئول	۴۹۰
۴۸	- حق شاد کننده تو	۴۹۰
۴۹	- حق بد کننده	۴۹۰
۵۰	- حق همدینان (همکیشان)	۴۹۱
۵۱	- حق اهل دمه	۴۹۱
بخش پنجم:	تفسیر چند آیه	۴۹۳
بخش ششم:	احادیث امام علیه السلام	۵۲۳
کلمات قصار امام علیه السلام		۵۲۳
خطابه های امام علیه السلام		۵۶۰
سؤال و جواب		۵۷۵
بخش هفتم:	مسئولیت شناسی	۵۸۱
بخش هشتم:	ادعیه	۶۰۱
دعای مکارم الاخلاق		۶۰۴
مناجات خَمْسَ عَشْرَه (نیایش های پانزده گانه)		۶۱۶
دعای ابو حمزه ثمالی		۶۳۲
دعای باران		۶۴۵
دعا درباره مرزداران		۶۴۶
دعای پناه به خدا از شر شیطان		۶۵۰
دعا در عید قربان و روز جمعه		۶۵۲
دعا در کنار ستون سوم مسجد کوفه		۶۵۳
بخش نهم:	اشعار منسوب به امام علیه السلام	۶۵۵
تضرع و زاری به درگاه خداوند		۶۵۵

۶۵۶	در مناقب جدش امیرالمؤمنین علیه السلام
۶۵۷	هشدار جنازه
۶۵۷	راز و نیاز با خدا
۶۵۹	فریاد ظلم ستیزی
۶۵۹	موقعیت دوستان و دشمنان اهل بیت در فردای قیامت
۶۶۰	در عزت و مناعت طبع خویش
۶۶۱	خطاب به حاکمان ستمگر
۶۶۱	خطاب به مردم کوفه
۶۶۳	پنهان کردن گوهر علم از نااهلان
۶۶۳	طالب راحتی و سعادت
۶۶۴	در مصیبت و گرفتاری های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۶۵	غم بی پایان
۶۶۶	عزت از آن متقی

نمایه ها / ۶۶۷

۶۶۹	نمایه آیات
۶۷۸	نمایه احادیث
۶۹۸	نمایه اشعار عربی
۷۰۰	نمایه اشعار فارسی
۷۰۱	نمایه اشخاص
۷۱۵	نمایه وقایع
۷۱۸	نمایه خاندان، قبایل، فرق و مذاهب
۷۲۳	نمایه اماکن جغرافیایی
۷۲۷	نمایه کتب
۷۳۷	منابع

مقدمه

خداوند متعال به لطف و عنایت خویش به بانوی دانشمند و دین‌باور سرکار خانم دکتر مرضیه محمدزاده توفیق روزافزون ایمانی و علمی ارزانی فرماید. ایشان سالیان درازی است که پژوهش خود را به نگارش شرح حال حضرات امامان معصوم شیعه صلوات الله علیهم اجمعین مخصوص فرموده است. اینک که پس از چند سال کوشش خستگی‌ناپذیر، دسته‌گلی دیگر در شرح حال و فضایل حضرت زین العابدین فراهم آورده و به ساحت قدس ایشان نثار می‌کند، به دیده‌ی مهر و با حسن ظن خویش از این بنده خواسته‌اند مقدمه‌یی کوتاه برای آن بنویسم. با سپاس از محبت ایشان و بیشتر به شوق عرض ادب به پیشگاه حضرت سجاد علیه السلام چند سطر می‌نویسم:

برای خوانندگان گرامی عرض می‌کنم که به راستی برگزیدن گوشه‌هایی از فضیلت‌های فراوان امام زین العابدین علیه السلام دشوار است و شیفته و سرگردان می‌مانی، به ویژه که خانم دکتر محمدزاده با مراجعه و یادداشت‌برداری از چهارصد و نود منبع استوار، همه چیز را فراهم فرموده است و نکته‌یی را فروگذار نکرده‌اند، ناچار به نوشتن دو سه نکته از دو مأخذ کهن و بازگویی خاطره‌یی شیرین از تشرف به داخل کعبه که خدای هر لحظه بر شرفش بیفزاید، بسنده می‌کنم.

محمد بن سعد در گذشته به سال دویست و سی هجری در صفحه ۱۵۷ جلد پنجم

طبقات چاپ بریل ۱۳۲۲ هجری قمری مطلبی را نوشته است که نشانی از کمال دلیری و استواری حضرت سجاد در مجلس یزید است و نمونه‌یی بسیار آموزنده از اعتماد به حق تعالی است که از آن انسان کامل جلوه گر شده است. سلام خدا بر آن بزرگوار باد.

محمد بن سعد می‌نویسد: «هنگامی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام، امام سجاد و بازماندگان را به مجلس یزید آوردند، مردی از شامیان که همنشین یزید بود، برخاست و گفت این اسیران بر ما حلال هستند. حضرت سجاد بدون درنگ و بی پروا به او فرمود: دروغ می‌گویی و فرومایه‌یی بیش نیستی و چنین حقی برای تو نیست، مگر آن‌که از دین ما بیرون روی و آیینی دیگر آوری. یزید سر به زیر افکند و خاموش ماند و سپس به مرد شامی گفت: خاموش شو و بنشین»

این دلیری و اطمینان خاطر و بی‌اعتنایی امام زین العابدین علیه السلام نشانه توکل به حق تعالی است و برای خوانندگان روشن است که منظور امام علیه السلام پاسخ دادن به آن فرومایه‌ی شامی نبوده است و به اصطلاح از مقوله «به در گفتن و شنیدن دیوار است». محمد بن یزید مبرد ادیب و مؤلف پرکار و برجسته‌ی سده سوم هجری که به سال ۲۸۶ در گذشته است، در صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۵ جلد دوم الکامل دو نکته را در مورد امام سجاد علیه السلام آورده است که در خور دقت است. نخست این که مردی با سعید بن مسیب گفتگو می‌کرد. در آن حال امام زین العابدین علیه السلام وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شد. آن مرد از سعید پرسید این شخص کیست؟ سعید به تندى پاسخ داد برای هیچ مسلمانی نسزد که این بزرگ‌مرد را نشناسد.

و هنگامی که منصور عباسی پاسخ نامه محمد بن عبدالله بن حسن را نوشت، خطاب به او چنین نوشت: «پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله میان شما هیچ فرزندی همانند و به منزلت علی بن حسین علیه السلام زاده نشده است».

بر این بنده و بر خواننده گرامی روشن است که منصور نه از راه راستی و اعتقاد این سخن را گفته است ولی برای خاموش ساختن رقیب، شاهدی بزرگ‌تر از حضرت سجاد سلام الله علیه نیافته است.

به نقل سید محسن امین در اعیان الشیعه از گفته دو دانشمند و ادیب برجسته سده‌های پنجم و ششم هجری یعنی منصور بن حسن آبی و محمود بن عمر زمخشری در گرفتاری بسیار سخت جنگ حرّه و هجوم سپاه یزید به مدینه، حضرت سجاد علیه السلام چهارصد خانوار از تبار عبدمناف را در پناه خویش آورد و هزینه زندگی ایشان را بر عهده گرفت. دو بار در راه خدا اموال خود را با مستمندان تقسیم فرمود.

آموزه‌های انسان‌ساز صحیفه سجادیه برای عموم طبقات فراتر از آن است که در چند جلد کتاب بگنجد و شرح‌های آن کتاب شریف نشانی روشن از این موضوع است. اگر برای شرح برخی از دعا‌های صحیفه همچون دعای عرفه و دعای ختم قرآن و مکارم الاخلاق بنظر آید قلم به دست گیرند، در یک جلد تمام نمی‌شود؛ و اینک خاطره خوش اهداء صحیفه خود را به شیخ عبدالدار که در آن هنگام کلیددار کعبه بود، برای خوانندگان کرامی بازگو می‌کنم و فقط به این امید که انگیزه‌ی بهره‌گیری از این چشمه‌ی نوش در خوانندگان فزونی یابد:

در روزهای نخست اردی‌بهشت ماه ۱۳۵۶ خورشیدی که این بنده به اصطلاح مأموریت مطالعاتی یا بهتر بگویم سیاحتی خود را در پاریس می‌گذراندم، دوستان مرا کشی مزده دادند که چند روزی است کعبه را مرتب و زیورافزایی می‌کنند و ساکنان عربستان و عمره‌گزاران خارجی می‌توانند برای آستان‌نویسی ثبت نام کنند و به شرف کارگری و خاک‌روبی برای نصف روز نائل آیند؛ و گفتند مدت تشریف به درون کعبه از یک ساعت پس از طلوع آفتاب تا نیم ساعت پیش از اذان ظهر است. با شوقی که در وصف نمی‌گنجد به فکر گرفتن روادید از سفارت عربستان افتادم و همان روز به سفارت رفتم. پاسخ دادند که گفته شده است ویزای عمره به دارندگان گذرنامه عادی داده نشود. دبیر دوم سفارت که متوجه اندوهم شد بدون آن‌که از شغل و کار من بپرسد، گفت در بروکسل ویزای کار برای کارخانه‌های عربستان می‌دهند. به بلژیک برو شاید موفق شوی. به امید عنایت حق تعالی همان‌روز که پنج شنبه بود با ترن از پاریس راه افتادم و صبح جمعه به سفارت رفتم. گفتند سفیر و کارمندان برای شرکت

در نماز جمعه به مسجد ملک خالد که در خیابان روزولت است رفته‌اند. بنده هم به مسجد رفتم و خدای را سپاس که مسجد به نسبت انباشته از نمازگزاران از ملت‌های مختلف آسیایی و آفریقایی بود. نشستم و به خواندن قرآن پرداختم و چون پرسیده بودم که آیا سفیر عربستان در مسجد حاضر است و او را به من نشان داده بودند، پس از نماز پیش‌او رفتم و پس از سلام تقاضای خود را برای گرفتن ویزا به او گفتم. پرسید چه کاری از تو ساخته است؟ گفتم خاکروبی. معلوم شد که چند سالی در تهران کاردار بوده است و زبان فارسی را به خوبی فرا گرفته است و چون دانست که معلم هستم، به دیده محبت و با استفاده از اختیارات ویژه خود ویزای زیارتی برای دو هفته برایم صادر کرد و گفت برای رفتن شتاب کن که مرمت کعبه نزدیک به پایان است. عصر جمعه از بروکسل به پاریس برگشتم و خوشبختانه خرید بلیط هیچ دشواری نداشت. آژانسی که پس از بررسی ویزا بلیط را صادر کرد، اظهار کرد که فعلاً پرواز مستقیم و بدون معطلی به مقصد جده انجام نمی‌شود و با پنج ساعت توقف در قاهره خواهد بود. در فرودگاه قاهره کمی بیش از پنج ساعت منتظر ماندیم و نیمه شب سه‌شنبه به جده رسیدیم و معلوم شد همه مسافران به ریاض می‌روند و میان مسافران جز این بنده کسی عمره‌گزار نبود. افسر کشیک فرودگاه راهنمایی کرد که چون تنهایی و شب از نیمه گذشته است، با وانت روباز نمی‌توانی به مکه بروی و پلیس راه وانت را متوقف خواهد ساخت؛ محبت کرد و با کمک او پس از غسل و محرم شدن، اتومبیل سواری گرفتم و نزدیک اذان اول مکه به هتل شبرا که در آن هنگام از هتل‌های نزدیک و به نسبت خوب بود، رفتم و بدون تلف کردن وقت برای انجام طواف، مشرف شدم. در آن وقت شب مسجد چندان شلوغ نبود و به راحتی طواف و نماز آن را انجام دادم و سعی صفا و مروه را پس از نماز صبح انجام دادم. در این میان متوجه صفی طولانی شدم. معلوم شد همان‌گونه که در بروکسل گفته بودند، مرمت و زیورافزایی داخل کعبه تمام شده است و این گروه برای تشریف کوتاه به منظور

غبارروبی و خواندن نماز در درون کعبه نام می‌نویسند. با خود زمزمه کردم که:

به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند

که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی؟

جلو رفتم. معلوم شد پیش از من به گروهی که ایستاده‌اند، گفته‌اند که تشریف در هر روز فقط برای یکصد و پنجاه نفر ممکن است و برای فردا و پس فردا نام می‌نویسند. گوشه‌یی نشستیم و به تلاوت پرداختیم و سوره فتح را خواندم و با تلاوت آیه ﴿لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ﴾^۱ خود را امیدوار می‌ساختم. نیم ساعت پیش از اذان ظهر کسانی که مشرف بودند، از کعبه بیرون آمدند و نزدیک اذان ظهر کلید دار و دیگر خدمه بیرون آمدند و درب کعبه را بستند و پایین آمدند و پلکان راهم کنار مسجد الحرام کشیدند. در آن هنگام تلاوت بنده تمام شده بود و سرگرم خواندن دعای مکارم الاخلاق از صحیفه سجاده جیبی خود بودم که در بیروت چاپ شده بود و چون اذان ظهر گفتند و صف‌ها مرتب شد در فاصله نافله گزاران و اقامه، قرآن برداشتم و به تلاوت سوره یونس پرداختم. در آن حال فکر می‌کردم اگر به کلیددار مراجعه کنم و خواسته خود را به او بگویم آیا می‌پذیرد یا می‌گوید ترتیب معمول را رعایت کن. به این آیه رسیدم ﴿وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ﴾^۲ بسیار امیدوار شدم و پس از تمام شدن نماز ظهر بر سر راهش ایستادم و همین که نزدیک شد سلام دادم و داستان خود را برایش بازگو کردم. او که مردی حدود شصت ساله و به اصطلاح دومیوه بود ایستاد و پرسش نخست او از ملیت من بود که چون گفتم ایرانی هستم بر محبت خود افزود و دو سؤال دیگر از این بنده پرسید که شغل تو چیست و مذهب چیست؟ گفتم معلم و جعفری هستم. پرسید معلم چه مقطعی؟ و سرانجام دانست که دانشگاهی و به اصطلاح خودش «استاد جامعی» هستم و گفت فردا ساعت هفت و نیم صبح همین جا

۱. سوره فتح، آیه ۲۷. اگر خدا بخواهد به مسجد الحرام داخل می‌شوید.

۲. سوره یونس، آیه ۱۰۷. اگر خدا برای تو خیری بخواهد، هیچ‌کس فضل او را باز نتواند داشت.

منتظر باش. به خواست خداوند خواهیم آمد و همراه خودم به کعبه مشرف می شویم. افزود که جامه احرام نپوشی و جامهات روشن و سبک باشد و چون خواست خدا حافظی کند گفت گذرنامهات همراهت باشد. آن شب را در مسجد الحرام گذراندم و گاه شعر شیخ شیراز به یادم می آمد که فرموده است:

سر آن ندارد اشب که برآید آفتابی چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

قضا را در نماز صبح آن روز شیخ محمد شبیل در رکعت دوم با نوای دل نشین خود آیات نود و چهار تا نود و هفتم سوره آل عمران را تلاوت کرد و چون به این آیه رسید که ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾^۱ در طمع خام افتادم و به فال نیک گرفتم و به تلاوت قرآن و صحیفه سجاده پرداختم. کلیددار کعبه و تنی چند مأموران حراست به موقع آمدند. سلام دادم. با مهربانی گفت که از خاندان محترم عبدالدار است که از صدر اسلام افتخار خدمتگزاری کعبه را داشته اند و همان دم به یکی از خدمه گفت برای این شخص جaro و بیاورید و به افسری که ناظر تشرف افراد بود، گفت که من میهمان اویم و چون بر در کعبه رسید. ایستاد و از من پرسید چه دعایی برای تشرف می خوانی؟ گفتم امام جماعت صبح امروز این آیه را تلاوت کرد که ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ آرزو مندم حق تعالی به عنایت خویش ایمنی از گرفتاری های آن جهانی ارزانی فرماید. گفت اینک بشنو و در حال گرداندن کلید آیات سوره یس را مقدم و موخر تلاوت کرد ﴿يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾^۲ و به محضی که در گشوده شد، خطاب به جمع گفت ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ﴾^۳ چه حسن سلیقه ای و چه نیکو گزینه ای. گنه کاری چون این کمترین بر کرانه دریای رحمت چه

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷. در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم و هر که بدان داخل شود، ایمن است.

۲. سوره یس، آیه ۲۷ - ۲۶. ای کاش قوم من می دانستند که پروردگار من مرا بیمارزید و در زمره گرامی شدگان

در آورد.

۳. سوره یس، آیه ۲۶. گفته شد: به بهشت درآی.

باید کند ناچار ﴿وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ﴾^۱ و چون اندکی به خود آمدم از همان مرد گرانمایه پرسیدم حضرت ختمی مرتبت کجای خانه و به کدام سو نماز خوانده‌اند؟ گفت بر همین سنگ مرمر صورتی رنگ که مشخص شده است و به حالت پشت به در کعبه و روی به مستجار. پس از نماز که باید منتظر نوبت نماز می‌شدم، مژگان خود را بر قدمگاه حضرتش نهادم. مگر سده‌ها پیش از این نسروده‌اند که:

به امید آن که جایی قدمی نهاده باشی همه خاک‌های شیراز به دیدگان برویم

پس از نماز و تلاوت سوره حم سجده کناری نشستم و صحیفه سجاده‌یه‌ام را گشودم. آن مرد خواست که نزدیک او بنشینم. هنگامی که دعای دوم صحیفه را به آرامی خواندم، از من پرسید این فصاحت و بلاغت اعجاب‌انگیز، سوز دل کیست؟ گفتم از فرزند بزرگوار رسول خدا است. آرزو می‌کردم دیگر سؤالی نپرسد و کوشش کردم آهسته بخوانم ولی به هر حال او می‌شنید. پس از دعای آن حضرت برای پدر و مادر و دعای برای فرزندان و همسایگان و دوستان، خواندن مکارم الاخلاق را شروع کردم. آن مرد که سراپا گوش شده بود برخی از جمله‌ها را که می‌شنید، دستور می‌داد که تکرار کنم و چون به این جمله رسیدم که به پیشگاه خداوند عرض می‌کند: «إِلَهِي وَعَمِرْنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَبًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتَلَكُ إِلَيَّ»^۲.

با صدای به نسبت بلند آمین گفت و این کار را در جمله‌های بعد هم تکرار می‌کرد. من به تلاوت صحیفه ادامه دادم و هنگامی که دعای سی و هشتم را می‌خواندم که حضرت سجاد از کوتاهی احتمالی در مورد انجام وظایف نسبت به دیگران پوزش خواهی

۱. سوره اسراء، آیه ۱۰۹. و به رو در می‌افتند و می‌گریند.

۲. صحیفه سجاده‌یه، قسمتی از دعای ۲۰. خدایا! روزگارم را تا آن‌گاه که در طاعت و بندگی‌ات می‌گذرد، باقی دار. پس هرگاه که مزرعه عمرم عرصه جولان و چراگاه شیطان شود، پیش از آن که خشم تو به سویم شتاب گیرد، جانم را بستان.

می فرماید، گفت: اینها گرفتاری اخلاقی بسیاری از انسانهاست که باید به اصلاح خویش بکوشند و ما از همگان نیازمندتریم.

سعادت تشرف به نسبت طولانی به پایان می رسید و هنگام جدایی فرارسید. پس از تعارف های معمولی، آن مرد عزیز گفت خواهشی داشتم. با شادی گفتم بفرمایید. گفت این صحیفه ات را به من بده که از بی سعادت و ناآگاهی خود نسبت به این کتاب عزیز احساس شرم می کنم. به خوی و عادت ایرانی صحیفه را بوسیدم و بر دیدگان نهادم و دو دستی به او بخشیدم و او شگفت زده و با تشکر آن را پذیرفت و یکدیگر را بدرود کردیم. امیدوارم خداوند متعال به رحمت گسترده خویش توفیق ره یافتن به سعادت را در پناه مطالعه و عمل به آموزه های زیور خاندان نبوت به آن مرد و این بنده گنه کار ارزانی فرماید.

متأسفانه از خرداد ماه ۱۳۵۶ تا آذر ماه ۱۳۷۱ سعادت عمره گزاردن را پیدانکردم و پس از شانزده سال هنگامی که برای سلام و سیاست به دفتر کار آن مرد رفتم، گفتند چندی است که دیده از جهان فرو بسته است.

از خوانندگان گرامی که برای خواندن این خاطره حوصله فرمودند، متشکرم. امیدوارم که خداوند به بانوی بافضیلت و دین باور سرکار خانم دکتر مرضیه محمدزاده توفیق بیشتر ارزانی فرماید. کانون خانواده اش گرم و درخشان و فروغ دیدگانش به وجود همسر گرامی و فرزندان برومندش افزون تر و پاداش پایدار آن جهانی او از پاداش های زودگذر و ناپایدار این جهانی بیش باد.

کمترین بنده درگاه علوی محمود مهدوی دامغانی

مشهد مقدس رضوی اول اردیبهشت ۱۳۹۰

هفدهم جمادی الاولی ۱۴۳۲

پیش گفتار

امام سجاد علیه السلام در زمانی به امامت رسید که جامعه روزگار پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته بود و آن حضرت وارث شرایطی بود که کج اندیشی، فرصت طلبی، عدالت گریزی، دنیاپرستی و عافیت طلبی از ویژگی های بارز آن بود. استبداد مطلق، بی قانونی، فقدان عدالت اجتماعی، نبود نظام قضایی صحیح، دوری از تعالیم اسلام، پخش احادیث دروغین در منقبت خلفا و معاویه و بر علیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام از مظاهر آشکار حکومت ستمگر اموی بود. جبرگرایی حواز شرعی هرگونه ظلم و ستم و کشتار به شمار می آمد. حکومت اموی برای گسترش اقتدار سیاسی خود از یک سو سیاست به جهالت کشاندن مردم را در دستور کار داشت تا آنان را در یک خلأ فکری، اعتقادی و سیاسی نگه دارد و از سویی به استضعاف کشاندن جامعه شیعی و ایجاد فاصله در ارتباط با امام و پیروانش را هم زمان دنبال می نمود. شاید عصر اختناق، بهترین تعبیر برای دورانی باشد که امام سجاد علیه السلام در آن می زیست. از مهم ترین تفاوت های این عصر با اعصار دیگر درهم شکستن مقدسات اسلامی و زیر پا نهادن اصول مسلم اسلامی بود: شهادت امام حسین علیه السلام، اسارت اهل بیت علیهم السلام، حادثه حرّه واقم و کشتار مردم مدینه، به آتش کشیدن کعبه، مسلط کردن جنایتکارانی چون حجاج بن یوسف ثقفی بر جان و مال مردم که به اندک بهانه ای خون انسان های

بیگانه را می‌ریخت، همگی گواه این مدعا است. حجاج فردی بود که کشتار صد و بیست هزار مسلمان و به زندان افکندن هشتاد هزار نفر دیگر را در کارنامه سیاه دوران حکومت خود داشت.

امویان بسیار کوشیدند تا مکه و مدینه را از مرکزیت دینی، اجتماعی و قداست براندازند. به همین جهت مردم را به ابتذال و اباحی‌گری کشاندند و آن دو شهر را به مراکز فساد و فحشا تبدیل نمودند. با ترویج فرهنگ ابتذال در جامعه، مردم به خودی خود از فکر قیام و انقلاب و سیاست و حکومت دور می‌گردیدند.

اوضاع اجتماعی نیز در عصر امام به سمت خطرناکی حرکت می‌کرد. خطر از بین رفتن اساس نهضت حسینی و خاموش شدن روح تهاجمی اسلام و حتی خطر نابودی هر اندیشه‌ای از این قبیل و به فراموشی سپرده شدن آن بود. حتی امامت در آستانه محو شدن از صفحات خاطرات مردم بود.

حکومت اموی بر تمامی دستگاه‌های تبلیغاتی نظیر مسجد، منبر و محراب سلطه پیدا کرده و تمامی افراد متنفذ و تأثیرگذار به افکار عمومی همچون قاضی، فرماندار و استاندار را از عوامل خویش قرار داده بود و همه امکانات در قبضه خلافت و در خدمت خلیفه قرار داشت.

امام سجاد علیه السلام در چنین شرایط سخت و بحرانی به امامت رسید و رسالت خویش را آغاز نمود تا افزون بر حفظ اسلام و تبیین مبانی دین و مذهب، مردم را از این انحطاط اخلاقی نجات دهد. زنده نگاهداشتن حماسه حسینی، خوشی کردن توطئه تحریف‌کنندگان، بازسازی و ترمیم تشکیلات علوی و شیعی که آسیب‌های کلی دیده بود، از نخستین اقدامات پیش روی امام بود. امام زمانی کار خود را شروع کرد که به دلیل تبلیغات دستگاه اموی مردم از اصول اسلامی روی گردان بودند. آن حضرت این دوران را این‌گونه ترسیم می‌کند: «در تمام مکه و مدینه بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند».

امام سجاد علیه السلام ۳۴ سال امامت کرد. زمانی طولانی که آن حضرت توانست نقشه‌های

دشمنان را بر هم زند و نسلی مهذب و عالم را تربیت کند. آن حضرت مسجد پیامبر را مدرسه خویش ساخت و مباحث علمی و حوزه درسی در موضوعات علم فقه، تفسیر، حدیث، کلام، فلسفه، عرفان و اخلاق دایر کرد. در هر جمعه جلسه سخنرانی عمومی ترتیب داد و مردم را به زهد در دنیا و شوق به آخرت ترغیب فرمود و از این راه به انتقال معارف اصیل اسلامی به توده مردم می پرداخت. اصل امامت و مفهوم ولایت و خلافت، تبیین مقام و جایگاه امام در میان امت و نفی پذیرفتن ولایت غیر آن و تبیین ضرورت اطاعت و پیروی از امام معصوم و مبارزه با فساد اخلاقی موضوعاتی بودند که امام به تعلیم و نشر آن اهتمام وافر داشت. ایشان هم چنین با مظاهر فساد و فحشا مبارزات مثبت و آشکاری را نیز انجام داد. از برجسته ترین تلاش هایی که امام در راستای وظایف رهبری اش انجام داد، این بود که مؤمنان پراکنده را گرد آورد و از لحاظ معنوی آنان را تربیت و اسلام را به آنان آموخت. هدف امام، دادن تقویت روحی و معنوی به پیروان خود بود تا اندیشه ها و جان ها را از لحاظ معنوی محفوظ بدارد یعنی دقیقاً عکس کاری که عالمان بدکردار به دستور حاکمان اموی به آنها دامن می زدند.

یکی از مناصب بسیار مهم انبیا و جانشینان آنان پس از مسأله ابلاغ و تعلیم دستورات الهی به جامعه، ترتیب انسان ها بر اساس معارف و ارزش های الهی است. امام سجاد علیه السلام در آن برهه حساس از تاریخ اسلام شاگردان متعدد و برجسته ای در زمینه های مختلف علوم اسلامی ترتیب نمود و نهضت عظیم شیعه را پایه گذاری کرد و میراث علمی و اخلاقی پدرانش را حفظ نمود و به بهترین نحو زمینه تداوم آن را فراهم ساخت. برخی از شاگردانش از بزرگان و سرآمد دانشمندان اسلامی شدند. شاگردان امام یا از متخصصان علوم مختلف و صاحبان آثاری بوده اند یا مناصب مهم سیاسی و اجتماعی و نقش های کلیدی در تاریخ تشیع داشته اند، برخی نیز سلسله جنبان قیام هایی بودند و تعدادی از آنان نیز به شهادت رسیدند. امام علیه السلام با این تلاش ها و محکم کاری ها و آموزه های متمرکز توانست نسلی مقاوم از انسان های

مؤمن تربیت کند، نسلی که به علوم، ایمان، تقوا و اخلاص مسلح شدند و به الگو برای شیعیان مبدل گشتند. کسانی چون یحیی بن امّ طویل و سعید بن جبیر از زمره افراد این نسل اند.

در صحنه فعالیت های فرهنگی، او که سید فقها در عصر فقاقت نامیده می شد، به مناظره با عالمان درباری و ارباب مذاهب و گرایش های کلامی، معتزله، اشاعره، جبریه و مشبهه رفته و در جبهه ای دیگر به مبارزه با قصاصین پرداخت.

امام در کنار فعالیت های فرهنگی خود، اقداماتی نیز در قالب فعالیت های اجتماعی انجام داد: اتخاذ شیوه های تربیتی که منجر به تقویت ایمان و پرورش تقوا در میان افراد جامعه می شد. رسیدگی به بینوایان و تهیدستان، آشنا نمودن مردم با اصول اسلام و معارف دینی و مبانی تشیع در قالب روش های تربیتی، مبارزه با منع کتابت حدیث، شدت و سخت گیری حاکمان در منع از نقل و کتابت حدیث در این دوران به حدی بود که تمام سنت نبوی به فراموشی سپرده شده بود. مبارزه با فساد اجتماعی از طریق مبارزه با تعصب و نژادپرستی و تبلیغ عدم برتری عرب بر غیر عرب. ایشان با این که پس از واقعه کربلا، جامعه اسلامی را گرفتار ترس و یأس می دید و کسی را نمی یافت که تربیت کند و از دانش خیریش او را بهره مند سازد، اما از پانثست و مطالب عمیق و مضامین ارزنده و گران قدری را در قالب دعا و نیایش به جامعه اسلامی و به ویژه شیعیانش منتقل ساخت. صحیفه سجادیه، رساله حقوق، مناسک حج و مجموعه بزرگی از احادیث مسند و مرفوع از آثار او است که توسط فرزندان و شاگردانش روایت شده اند.

امام سجاد علیه السلام در اقدامات عبادی خویش به سه مسأله مهم حج، حضور در نماز جمعه و جماعت و ترویج ذکر صلوات اهتمام داشت زیرا با ذکر صلوات نام و یاد پیامبر و خاندانش زنده میشد و این بر خلاف سیاست های رایج و رسمی بود به طوری که همه دعاهای صحیفه دربردارنده ذکر صلوات است.

امام سجاد علیه السلام در روش های سیاسی خود کارهای مهمی صورت داد. او در مدت

اسارت با افشاگری‌ها و سخنرانی‌های عمومی ابهت و غرور دشمن را درهم شکست و جنایات امویان را آشکار نمود. تبیین جایگاه امامت و تصریح به نقش سیاسی امامان شیعه، اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، زنده نگاه داشتن نهضت عاشورا، مقابله با حاکمان و نهی از تبعیت از ظالمان، ترغیب و تشویق به مبارزه، جهاد و شهادت، تشویق به شکیبایی و رازداری، از سایر اقدامات سیاسی آن حضرت بود. همچنین کنش‌ها و واکنش‌های امام با خلفان نیز از جمله فعالیت‌های مهم آن حضرت بود. امام در این خصوص دو رویه مشخص را اعمال می‌کرد: یکی از طریق برانگیختن وجدان انقلابی مردم مسلمان و ایجاد احساس گناه در مردم به خاطر عدم همراهی با نهضت عاشورا و دیگر از راه تهیه برنامه فکری و آگاهی عقیدتی جامعه بود.

امام تا جایی که به مصلحت اسلام و محفوظ نگاهداشتن دولت اسلامی بود با حکومت مساعدت می‌کرد البته تا جایی که حکام وقت عنایت امام را دلیل مشروع بودن خود قلمداد نکنند و از این راه به مردم فریبی دست نزنند. این روابط بر حسب شرایطی که پیش می‌آمد، گسترش می‌یافت یا محدود می‌گردید.

بعضی از مورخان می‌پندارند که امامان شیعه پس از واقعه کربلا از سیاست کناره گرفتند و به ارشاد و عبادت و انقطاع از دنیا پرداختند. سبب چنین پندارهایی این است که آنان کسب قدرت و رهبری را معطوف به عمل مسلحانه بر ضد حکومت وقت می‌دانند، در حالی که امام سجاد علیه السلام به این امر ایمان داشت که تا وقتی از طرف پایگاه‌های مردمی و آگاه پشتیبانی صورت نگیرد، به دست گرفتن قدرت برای تحقق بخشیدن به عمل دگرگون‌سازی اجتماع اسلامی کافی نیست. امام به دلیل نداشتن چنین پایگاه مردمی که با آگاهی و اخلاص از او پشتیبانی کنند، به پیشگاه الهی شکایت می‌کرد: «پروردگارا! در پیش آمدهای ناگوار روزگار به ناتوانی خویش نگریستم و درماندگی خود را از جهت یاری طلبیدن از مردم در برابر کسانی که قصد جنگ با مرا داشتند، دیدم و به تنهایی خود در برابر بسیاری کسانی که با من دشمنی داشتند، نظر کردم». امام به روشنی شرایط پیروزی بر دشمن را بیان می‌کند. پیروزی

در نزد امام مبتنی بر وجود یاران و توده آگاه بود. درست است که امامان شیعه پس از قیام امام حسین علیه السلام، دیگر دست به قیام مسلحانه نزدند، اما زندگی آنان و از جمله امام سجاد علیه السلام سراپا نشان دهنده شرکت فعال ایشان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عبادی بود. نقش مثبتی که امام در قبال امت بر عهده داشت، باعث شد که مردم او را رهبر خود بدانند. بالاخره چیزی از شهادت ایشان نگذشته بود که سقوط نظام اموی آغاز گردید و اهداف حضرت توسط فرزندان امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام دنبال شد. پایه‌های اسلام تثبیت و فرهنگ اسلامی در جامعه تعمیق و کادرهای ورزیده، تربیت و امت به سلاح علم مسلح گردید.

بحثی در باب منابع:

درباره دوران حیات امام سجاد علیه السلام در منابع عام و معتبر تاریخی چون المعارف، الامامة و السياسة و عیون الاخبار ابن فتنه دینوری ابو محمد عبدالله بن مسلم، تاریخ خلیفه بن خیاط خلیفه بن خیاط، الاخبار الطوال ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، انساب الاشراف احمد بن یحیی بلاذری، تاریخ یعقوبی احمد بن اسحاق ابن واضح یعقوبی، تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک) محمد بن جریر طبری، مروج الذهب و معادن الجواهر و التنبيه و الاشراف علی بن الحسین مسعودی، البدء و التاریخ مطهر بن طاهر مقدسی، الكامل فی التاریخ ابن اثیر، الكامل مبرور الحارثی و دیوان المبتدأ والخبر (تاریخ ابن خلدون) ابن خلدون، البداية و النهایة ابن کثیر دمشقی، نهایة الارب فی فنون الادب شهاب الدین احمد نویری، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک ابن جوزی، تذکرة الخواص فی خصائص الائمة سبط ابن جوزی و ... همچنین در کتب تاریخی و مقاتل چون الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید، اعلام الوری باعلام الهدی ابو علی فضل بن حسن طبرسی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام محمد بن احمد ذهبی، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، آثار شیخ صدوق و شیخ طوسی، الکافی کلینی، مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی،

اللّهوف فی قتلی الطفوف (مقتل الحسین) سید ابن طاووس، مقتل الحسین خوارزمی، الفتوح ابن اعثم کوفی، حبيب السیر فی اخبار افراد البشر غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر، صفة الصفوة ابن جوزی، تاریخ ابی الفداء المسمى المختصر فی اخبار البشر اسماعیل بن علی ابو الفداء، تاریخ ابن الوردی (تتمة المختصر فی اخبار البشر) ابن الوردی، الفخری فی الآداب السلطانية والدول الاسلامیه ابن طقطقی محمد بن علی بن طباطبا، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید عزالدین عبد الحمید بن محمد ابن ابی الحدید، شذرات الذهب فی اخبار من الذهب ابن عماد حنبلی، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان ابن خلکان، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب مازندرانی، تجارب الامم و تعاقب الهمم ابوعلی مسکویه رازی، کشف الغمہ فی معرفة الاثمة علی بن عیسیٰ اربلی از جمله منابع اصیل و کهن و دست اولی هستند که نویسندگان شیعی و سنی و قایم زمان امام سجاد علیه السلام را گزارش داده و درباره زندگانی آن بزرگوار مطالبی را بیان کرده اند. در کتب دیگر چون تاریخ موالید الاثمة و وفياتهم ابن خشاب بغدادی، تاریخ الاثمة ابن ابی الثلج، تاج الموالید فی موالید الاثمة و وفياتهم فضل بن حسن طبرسی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب ابن عنبه، سيرة الاثمة الاثنی عشر هاشم معروف حسنی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء ابونعیم اصفهانی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفیٰ نورالدین علی بن احمد سمهودی، نورالابصار فی مناقب آل بیت مختار علیه السلام شیخ مؤمن بن حسن بن مؤمن الشبلنجی، نفس المهموم شیخ عباس قمی، ناسخ التواریخ (دوره امام سجاد علیه السلام) لسان الملک میرزا محمدتقی سپهر، المجدی فی انساب الطالبیین علی بن محمد عمری، روضة الواعظین قتال نیشابوری، مختصر احوال النبی و الاثمة الاثنی عشر علیهم السلام شیخ راشد بن ابراهیم بن اسحاق بحرانی، الانوار فی تاریخ الاثمة الابرار ابوالحسن علی موصلی، الدر النظیم فی مناقب الاثمة الهامیم شیخ یوسف حاتم شامی به طور مفصل به زندگانی امام سجاد پرداخته شده است.

در میان کتب جدید مهم ترین اثر کتاب جهاد الامام السجاد زین العابدین علی بن

الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام اثر سید محمدرضا حسینی جلالی است که تحت عنوان جهاد امام سجاد علیه السلام توسط موسی دانش ترجمه شده است. کتاب زندگانی علی بن الحسین علیه السلام از دکتر سیدجعفر شهیدی کتابی مهم و تحلیلی درباره آن حضرت است. کتاب امام سجاد جمال نیایشگران از گروه تاریخ بنیاد پژوهش های اسلامی، کتاب الامام زین العابدین علیه السلام از عبدالرزاق مفرم و ترجمه فارسی آن با عنوان زندگانی امام زین العابدین علیه السلام از حبیب روحانی، کتاب بلاغة علی بن الحسین علیه السلام شیخ جعفر عباس حائری، کتاب النظرية السياسية لدى الامام زین العابدین از محمود بغدادی و کتاب تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام که ترجمه حیاة الامام السجاد علیه السلام باقر شریف قریشی است از مهم ترین کتبی است که درباره آن امام همام نوشته شده است.

در این تحقیق تمامی کتب قدیمی مورد استفاده قرار گرفته و علاوه بر آن از کتب نویسندگان جدید که به نوعی از امام سجاد علیه السلام سخن گفته اند، بهره گیری شده است و سعی شده که زندگانی آن حضرت را از بدو تولد تا شهادت مورد بازشناسی قرار دهد و در این رهگذر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلام مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته تا دانسته شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دین خود را متکی به چه ارزش هایی پایه گذاری نمود و چه مسائل و مضامین بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله برای میراث آن حضرت یعنی دین و خاندانش ایجاد شد.

این کتاب در دو فصل تقدیم خوانندگان می شود:

فصل اول با نام زندگانی تاریخی امام سجاد علیه السلام شامل ده بخش است که با طلوع خورشید شروع می شود و مسائلی چون ولادت، سیره عملی، نصوص و دلائل امامت، اوضاع اجتماعی، سیاسی عصر امام و فعالیت های اجتماعی و سیاسی امام، مبارزات امام در واقعه کربلا، دوران اسارت و مدینه، جنبش های مسلحانه عصر امام و برخورد امام با آن جنبش ها، حاکمان هم عصر امام و برخورد امام با آن حاکم ها، علل عدم قیام امام بر علیه حاکمان وقت و شهادت آن بزرگوار را در برمی گیرد. در انتهای این بخش سخنانی ارزنده از امامان معصوم و سایر بزرگان در مورد امام را می آوریم.

فصل دوم شامل نه بخش است و اختصاص به زندگانی معرفتی امام سجاد علیه السلام دارد و حیات آن امام از منظر علمی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. در ابتدا اوضاع معرفتی عصر امام مورد بررسی واقع و فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت و شاگردان بزرگوار آن امام مطرح می‌شود. در بخش‌های دیگر این فصل بررسی گرایش‌های الحادی عصر امام، ادعیه صحیفه سجاده، رساله حقوقیه، تفسیر آیات، کلمات قصار، مسئولیت‌شناسی از دیدگاه امام و سایر ادعیه مطرح می‌شود. اشعار منسوب به آن حضرت بخش پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

هر چند در این کتاب پوشش شده است که با انجام تحقیقی موشکافانه و با بررسی دقیق و همه جانبه، زندگی این امام همام مورد بررسی قرار گیرد، ولی از آن جا که «الْكَمَالُ لِلَّهِ وَحْدَهُ»، آن را خالی از لغزش و اشکال ندانسته و به نقدهای عالمانه‌ای که از سوی اساتید، محققان، دانشجویان و علاقه‌مندان آثار تاریخی مذهبی می‌شود، نیاز مبرم دارد و از خوانندگان فهم انتظار دارد نویسنده را در برطرف نمودن اشکالات احتمالی یاری نمایند.

در پایان لازم می‌دانم که از استاد محترم، دانشمند فرهیخته، ادیب، مترجم و مورخ برجسته و بی‌بدیل متون اسلامی جناب آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی که از سر لطف و تواضع مقدمه‌ای ماندگار بر این اثر نگاشته، صمیمانه سپاسگزاری نمایم و برای ایشان عافیت و صحت توأم با دوام عمر با برکت در خدمت به اسلام را از خداوند مَنان مسئلت دارم و هم‌چنین از همسر فداکار و فرزندان عزیزم که در فراهم آوردن محیطی آرام و مناسب برای تحقیق و نگارش مددکارم بودند، مراتب رضایت و امتنان خویش را ابراز می‌دارم. امیدوارم اعمال آنان مرضی درگاه حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام واقع گردد.

و آخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

مرضیه محمدزاده

بیستم آبانماه ۱۳۹۰ / پانزدهم محرم الحرام ۱۴۳۳